بسم الله الرحمن الرحیم

سفر یقین

آیا غیب، نمی‌تواند چیزی یقینی باشد؟!

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

13

سلسله مقالات «سفر یقین»

یکی از مفاهیم خطا و خطرناک، مساوی دانستن ایمان غیبی با غیر یقینی است. غیر یقینی یعنی: «مطمئن نیستم»، احتمال درست بودن آن زیاد است، اما نمیتوان گفت صددرصد درست است! برخی میگویند: هیچکس نمیتواند باورهای خود را صددرصد درست و باورهای دیگران صددرصد غلط بداند، چرا که مسأله «در نهایت غیبی است» (و در مسایل غیبی، یقینی وجود ندارد!)

د. إیاد قنیبي | أبو زینب محمد بهرامي



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira

السلام علیکم!

یکی از مفاهیم خطا و خطرناک، مساوی دانستن ایمان غیبی با غیر یقینی است. غیر یقینی یعنی: «مطمئن نیستم»، احتمال درست بودن آن زیاد است، اما نمی‌توان گفت صددرصد درست است! برخی می‌گویند: هیچ‌کس نمی‌تواند باورهای خود را صددرصد درست و باورهای دیگران صددرصد غلط بداند، چرا که مسأله «در نهایت غیبی است» (و در مسایل غیبی، یقینی وجود ندارد)!

کسانی را می‌بینیم که این مسأله را حتا بر بزرگ‌ترین حقیقت، یعنی وجود الله، تطبیق می کنند و می‌گویند: «ایمان، باور داشتن به چیزی است که وجود آن با دلایل قطعی و یقینی قابل اثبات نباشد»، «ایمان اقدام عجولانه و ناسنجیده به پدیده‌ای است که نمی‌توان به وجود آن دلایل قطعی ارایه کرد» و سخنان دیگری مشابه این سخنان که ایمان به وجود الله به گونه‌ی خاص و مسایل غیبی را به گونه‌ی عام، مسأله‌ای ظنی، تخمینی و نه قطعی و یقینی جلوه می‌دهد. پدیده‌ای جلوه می‌دهند که به گمان غالب درست است و احتمال صحت آن بسیار است، اما در نتیجه، صددرصد درست بوده نمی-تواند.

آیا واقعا ایمان به وجود الله در منظومه‌ی اندیشگی اسلامی چنین است؟ قطعا چنین نیست! افزون بر آن، ایمان به وجود الله باور به مسأله‌ای است که دلایل به گونه‌ی قطعی و یقینی بر آن دلالت دارد و شک و تردید به هیچ‌روی در آن راه ندارد. غیبی بودن پدیده-ای هرگز به معنای ظنی بودن آن نیست. غیب با مبهم و غامض مساوی نیست! همچنان ایمان در اندیشه‌ی اسلامی، پدیده‌ی عاطفی محضی نیست که بر تسلیم محض بنا یافته باشد. ایمان در جهان‌بینی اسلامی، موقفِ برهانی، استدلالی، فطری و عقلانی است.

- ایمان به وجود الله، ایمان به مسأله‌ای است که عقل و فطرت بر آن دلالت می‌کند.

بدون آن‌که بیماری‌های قلبی و پیروی از خواهش‌های نفسانی مانع آن‌ها شود. شگفت این که این مسأله، که بدهی‌ترین بدهیات اسلام است، به نزد برخی از کسانی که با الحاد مقابله می‌کنند، شفاف و روشن نیست!

اگر ایمان به وجود الله در نزد برخی از پیروان ادیان دیگر با تصویرهای نادرست از الله و صفاتِ الله، آمیخته شده باشد و در نتیجه، پیروان آن ادیان از ناچاری به این «اقدام عجولانه و ناسنجیده» پناه ببرند و به تسلیم غیر عقلانی قناعت کنند، ما مسلمانان به فضل الله، به این چیزها نیازی نداریم.

- مخاطب این حلقه همان‌گونه که مسلمانان هستند، متشککان نیز هستند. کسانی که گمان می‌برند ما آنان را به ایمانِ تخمینی، عاطفی و تسلیم محض فرامی‌خوانیم. چنین نیست. ما آنان را به ایمانِ فطری، عقلانی و استدلالی دعوت می‌کنیم. تسلیمی که ما از آن سخن می‌گوییم و دیگران را بدان فرا می‌خوانیم، در مسأله‌ی وجود الله مصداق و جایگاهی ندارد! تسلیم در مسایل دیگر و در جزئیات اسلام است. اسلامی که بر بنیادهای عقلی، فطری و استدلالی بنیاد نهاده شده است.

- قرآنی که مردم را به آن دعوت می‌کنیم، می‌گوید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا/ تنها کسانی مؤمن به شمار می‌روند که به الله و پیامبرش ایمان بیاورند و سپس شک نکنند». یعنی ایمانی که شامل تصدیق و تأیید یقینی است و شک بدان راه ندارد. ایمانِ به گمان غالب، ایمان احتیاطی و ایمان کورکورانه هیچ‌کدام مطلوب و مقبول نیست. ایمانی که فرد بگوید: «خیر است همین طور ایمان می‌آورم، هرچند دلایل وجود الله قطعی و یقینی نیست»، پذیرفتنی نیست.

- گذشته از آن، منظومه‌ی اندیشگی اسلامی به صراحت بیان می‌دارد که وجود الله، ابرحقیقت یا بزرگ‌ترین حقیقت هستی است. افزون بر آن، الله خود حق است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ/ چرا که الله همان حق است و آن‌چه را جز الله به خدایی گرفته اند و به فریاد می‌خوانند، باطل است».

- از بس وجود الله متعال بدهی و آفتابی است، قرآن این مسأله را محور استدلال و مناقشه قرار نمی‌دهد و دلایلی که در این مجال آورده می‌شود، برای اثبات چیزی افزون بر مجرد وجود الله است. مانند توحید و صفات الله. وجود الله مسأله‌ای قطعی و یقینی است: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ/ پیغمبرانشان بدیشان گفتند: مگر درباره‌ی وجود الله، آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، بدون مُدِل و نمونه‌ی پیشین، شکّ و تردیدی در میان است؟». این آیت متضمن دلیل فطری و هم عقلی بر وجود الله است. «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ» یعنی آیا وجود الله و یا وحدانیت و یگانگی الله، محل شک و تردید است؟! وجود و وحدانیت الله، پدیده‌ای فطری است و در نهاد انسان نهاده شده است و محل تردید نیست. دلیل عقلی این‌که الله آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین است و در نتیجه، همه‌ی آن‌چه در هستی وجود دارد، عقل صحیح و فطرت سلیم را به وجود الله رهنمایی می‌کند.

- گفت‌وگوی موسی با فرعون: «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ/ فرعون گفت: پروردگار عالمیان کیست؟ (موسی) گفت:

پروردگار و آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین و همه‌ی آن مخلوقاتی است که در میان آسمان‌ها و زمین است. اگر شما راه یقین می‌پویید». یعنی از تأمل در هستی و موجودات برمی‌آید که پروردگار جهانیان، روشن‌تر و آشکاتر از آن است که محل تردید و شک باشد. «إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ» یعنی اگر شما از اهل یقین باشید، می‌دانید که یقین به این آفریدگار از یقین به هرچیز دیگری سزاوارتر است. اگر بگویید ما به چیزی یقین نداریم، دروغ گفته اید؛ چرا که هر انسانی به مسایلی بدهی و ضروری یقین دارد.

- تا آن‌جا که فرعون می‌گوید: «قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ/ پیامبری که به سوی شما فرستاده شده است، قطعا دیوانه است». موسی در پاسخ گفت: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ/ پروردگار مشرق و مغرب و میان آن‌هاست، اگر عقل داشته باشید». یعنی کسانی که وجود الله را انکار می‌کنند، از هرکسی دیوانه تر اند. چرا که عقل سودمند از آنان سلب شده است. عقل چیست؟ عقل اساسا علوم ضروری و بدهی است، مانند اصل سببیت و این اصل دلیل وجود آفریدگار است. اگر به چیزی یقین داشته باشید، الله را می‌شناسید و اگر عقل داشته باشید نیز الله را می‌شناسید.

- همین معنا را در آغاز سوره‌ی جاثیه نیز با تأمل دیده می‌توانیم. الله متعال می فرماید: «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ * وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ/ همچنین در آفرینش شما و نیز در آفرینش جنبندگانی که الله در سراسر زمین پراکنده می‌سازد نشانه‌های بزرگ و دلایل قوی (برای پی بردن به الله و خالق یکتا) است برای آنان که اهل یقین هستند. همچنین در دگرگونی شب و روز و در چیزهایی که الله از آسمان فرو می‌فرستد و (سبب) رزق و روزی هستند (همچون باران و نور و اشعّه‌های گوناگون) و الله به وسیله‌ی آن‌ها زمین را بعد از مرگش حیات می‌بخشد، و نیز در وزش بادها (و بالطبع دگرگونی هوا) نشانه‌های بزرگی و دلال سترگی است (بر وجود الله و خالق یکتا) برای آنان که به تعقّل می‌پردازند و اهل عقل و درایت هستند. این‌ها آیات الله است که به حق بر تو می‌خوانیم. با این حال، اگر به الله و آیات او (با وجود این همه دلال موجود در گستره‌ی جهان و پیدا در عبارات قرآن) ایمان نیاورند، پس به چه سخنی ایمان می‌آورند؟!»

- همان مفاهیمی که در گفت‌وگوی موسی با فرعون مرور کردیم در این‌جا نیز آورده شده است. «يُوقِنُونَ» کسی که اهل یقین باشد، مهم‌ترین یقین، یقین به وجود الله و آیات

کونی الله متعال است. «يَعْقِلُونَ» کسی که عقل داشته باشد، آفریدگار خود را انکار نمی‌کند و با ایمان به غیب هیچ مشکلی ندارد. با این حساب: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ/ بی‌گمان در آسمان‌ها و زمین، دلایل و نشانه‌ها برای اهل ایمان وجود دارد» و «فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ/ اگر به الله و آیات او (با وجود این همه دلال موجود در گستره‌ی جهان و پیدا در عبارات قرآن) ایمان نیاورند، پس به چه سخنی ایمان می‌آورند؟!» پس کسی که به الله و آیات کونی‌اش با این همه روشنی ایمان نمی‌آورد، باید به هیچ چیز دیگری ایمان نیاورد؛ چرا که الله و آیات الله روشن-ترین چیزهایی است که باید انسان بدان‌ها ایمان بیاورد.

- «وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ/ و در خودِ وجود شما (انسان‌ها، نشانه‌های روشن و دلایل متقن برای شناخت الله و پی بردن به قدرت او) است. مگر نمی‌بینید؟»... «لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ/ نشانه‌هایی است برای کسانی که بشنوند». کسی که به الله ایمان نمی‌آورد، گویا چیزی را ندیده و نشنیده و احساس نکرده و از عقل خود استفاده نکرده است.

- الله متعال می‌فرماید: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ/ (ای پیغمبر!) بگو: الله دارای دلیل و برهان روشن و رسا است. اگر الله می‌خواست همگی شما را هدایت می‌نمود». برهان رسا از آن الله است بر این‌که کلامش حق و راست است. «الْبَالِغَةُ» یعنی به هدفی که برای آن آورده شده است می‌رساند و آن، مغلوب ساختن طرف مقابل و ابطال دلایل اوست.

- این‌ها همه برای اثبات صفات الله متعال و یگانگی او و جزئیات دین اوست. پس ثبوت وجود الله متعال چگونه است؟ آیا نخستین و سزاوارترین یقین نیست؟

- در حلقات آینده به خواست الله، بیشتر توضیح خواهیم داد که چرا وجود الله، بدهی ترین بدهیات عقلی است.

والسلام علیکم

نویسنده: دکتر إیاد قُنیبی
مترجم: ابوزینب محمد بهرامی
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»